

لمس و نظر

بحث به جواز لمس و نظر در مقام آموزش رسید. آیا برای کسی که در حال آموزش و یادگیری است می‌تواند به بدن غیر مماثل خودش لمس و نظر داشته باشد در حالی که قرار نیست معالجه کند و اصلاً چه بسا فرد بیمار هم نباشد بلکه هدف صرفاً یادگیری و آموزش است. مرحوم آقای تبریزی گفتند اگر فرد مطمئن است در آینده حفظ نفس محترم یا علاج بیمار بر یادگیری او متوقف است، لمس و نظر جایز است.

ما عرض کردیم این مساله داخل در مباحث مقدمه مفوته است یعنی در فرضی که هنوز تکلیف به علاج بیمار یا حفظ نفس فعلی نشده است و لذا وجوب تعلم و یادگیری از قبیل وجوب مقدمه قبل از وقت است که مقدمه مفوته خواهد بود و وجوب مقدمه مفوته به دلیل خاص نیاز دارد و لذا در اینجا برای وجوب تعلم نیازمند به دلیل خاص هستیم و نمی‌توانیم به ادله وجوب حفظ نفس یا علاج بیمار تمسک کنیم چون آنها هنوز فعلی نشده‌اند چرا که موضوع آنها محقق نشده است تا مقدمه آنها هم لازم شود و بر همین اساس هم گفتیم کسی که قبل از وقت نماز به آب دسترسی دارد و می‌داند بعد از دخول وقت به آب دسترسی نخواهد داشت مطابق قاعده وضو بر او لازم نیست بر خلاف بعد از دخول وقت که اگر حتی احتمال هم بدهد بعد از اول وقت تمکن از وضو نخواهد داشت لازم است همان ابتدای وقت وضو بگیرد چون تکلیف فعلی شده است و قاعده اشتغال اقتضاء می‌کند از عهده تکلیف فعلی خارج شود حتی با احتیاط، مگر اینکه اصل و حجتی داشته باشد که تمکن از طهارت تا آخر وقت را برای او اثبات کند. پس با دلیل واجب نمی‌توان وجوب مقدمات مفوته را اثبات کرد و این از موارد «الامتناع بالاختیار لاینافی بالاختیار» نیست چون هنوز تکلیف نیامده است و فعلی نشده است تا مورد این قاعده قرار بگیرد. بله اگر بر وجوب مقدمه مفوته دلیل خاص داشته باشیم مطابق همان باید عمل کنیم. محل بحث ما خصوصیت زائدی از مثل وضو دارد و آن اینکه این مقدمه (لمس و نظر) حرام است. عمده دلیل این جواز لمس و نظر، همان دلیل نفی ضرر و نفی حرج است به همان بیانی که در جلسه قبل گذشت. یعنی ممنوعیت و حرمت لمس و نظر منشأ استناد ضرر و حرج بیمار در آینده به شارع می‌شود که با به واسطه ادله نفی ضرر و حرج منتفی است.

حال اگر آنچه در آینده اتفاق می‌افتد واجب باشد مثلاً معالجه در آینده بر این فرد واجب باشد، لمس و نظر برای او جایز است و یا تعلم واجب می‌شود و لمس و نظر هم واجب می‌شود اما اگر آنچه در آینده اتفاق می‌افتد واجب نباشد بلکه نهایتاً مباح باشد، مثلاً حفظ نفس فرد نباشد، بعید نیست باز هم اقتضای ادله نفی حرج و ضرر، جواز لمس و نظر باشد چون در این صورت هم همان ضرر آینده که دفع آن واجب نیست بلکه مباح است، به شارع منتسب می‌شود و دلیل لاضرر آن را نفی می‌کند.

البته بعید نیست ما بر اساس اطلاق ادله‌ای مثل «مَنْ سَمِعَ رَجُلًا يَنَادِي يَا لِّلْمُسْلِمِينَ فَلَمْ يُجِبْهُ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ» دفع ضرورت و معالجه بیماری‌ها و مشکلات مردم را واجب بدانیم حتی اگر به حد حفظ حیات نرسیده باشد در این صورت هم لمس و نظر در مقام تعلم، مقدمه مفوته خواهد بود و اگر شارع این مقدمه را جایز نداند، ضرر و حرج در آینده مستند به شارع خواهد بود.

به عبارت دیگر اگر معالجه واجب باشد همان طور که حفظ نفس واجب است، و مقدمه آن حرام باشد بین حرمت مقدمه و وجوب ذی المقدمه تراحم رخ خواهد داد و در فرض تراحم، آنچه اهم است یا احتمال اهمیت آن وجود دارد مقدم است و در غیر این صورت باز هم دلیل حرمت در فرض تراحم حجت نخواهد بود. اما مساله تکشف بیمار، اگر این طور باشد که بیمار هم بداند حفظ نفس یا معالجه دیگران منوط به تکشف او نزد دانشجوی پزشکی است بر همان اساس که گفتیم تکشف هم برای او جایز است.

و البته بحث ما در تحقق صغری نیست که دانشجو از کجا اطمینان حاصل کند که در آینده عمل واجب بر او متوقف است و پزشک مماثل هم در آینده پیدا نخواهد شد.

و از آنجا که در حرمت لمس و نظر تفاوتی بین مسلمان و غیر مسلمان نیست لذا تفاوتی بین آموزش با لمس و نظر به مسلمان و غیر مسلمان نیست مگر اینکه غیر مسلمان از کسانی باشد که مشمول ادله حرمت نظر قرار نگیرد مثلاً از افراد لاابالی باشد که اگر نهی شوند توجه نمی‌کنند.

چند نکته دیگر برای اتمام این مساله باید مورد توجه قرار گیرد:

اول: متقین از ادله حرمت لمس و نظر، نظر به ظاهر بدن است اما نظر و لمس باطن بدن مشمول اطلاق ادله حرمت نیست و این اطلاقات منصرف از لمس و نظر باطن بدن است و لذا اگر پزشک فقط به باطن بدن نگاه کند یا آن را لمس کند، قاعدتا نباید اشکال نداشته باشد.

دوم: اگر معالجه بر لمس و نظر متوقف نباشد، لمس و نظر جایز نخواهد بود بلکه باید بدون آن معالجه کند و لذا اگر پزشک بدون اینکه نگاه کند بلکه با دیدن توسط نمایشگر و ... معالجه می کند یا حتی با دستگاه‌ها به معالجه اقدام می کنند لمس و نظر جایز نیست.

سوم: جواز یا وجوب لمس و نظر در مواردی که به ملاک مقدمیت باشد، آیا حرمت لمس و نظر مطلقا جایز است حتی اگر به ذی المقدمه منتهی نشود یا فقط در مواردی که به موصل به ذی المقدمه باشد واجب است؟ این بحث مبتنی بر بحث از مقدمه موصله است و معروف بین محققین این است که وجوب مقدمه بر ترتب ذی المقدمه متوقف نیست که در این فرض لمس و نظر جایز است حتی اگر به علاج هم نیانجامد اما مطابق آنچه ما موافق با برخی از محققین گفتیم که وجوب مقدمه فقط در فرض ترتب ذی المقدمه است در این صورت لمس و نظر فقط در صورتی جایز است که به علاج منتهی بشود.

چهارم: گفتیم در جواز لمس و نظر تفاوتی بین موارد حفظ حیات و غیر آن از موارد وجوب علاج و دفع ضرورت و حتی موارد جواز علاج نیست.